

کودکان و نوجوانان در محاصره فناوری های نوین ارتباطی

وقتی بچه هایمان تبلت و تلفن همراه می خواهند

■ فرانسه فریدونی

تو خودش فرو رفته بود و فکر می کرد، با یک تلنگر افکارش را به هم ریخته و پرسیدم: «چرا تو همی؟» آخه هیچ وقت این طوری ندیده بودمش، اخم هاش را تو هم کرد و چند ثانیه سکوت، می دانستم که دارد به این فکر می کند چه بگوید و از کجا شروع کند: «نمی دونم چی کار کنم؟» دخترم گیر داده که من تبلت می خوام، اونم از نوع اپلش. آخه من توی این اوضاع و احوال از کجا ۳،۲ میلیون بیارم بدم به تبلت براش بخرم؟». حرفش دهنم را مشغول کرد، اولین سوالی که مدام در ذهنم رژه می رفت این بود: «مگر یک بچه هشت ساله چه نیازهایی دارد که به غیر از گوشی مدل بالا و کامپیوتر همراه، به تبلت مدل جدید آن هم از نوع سیب گاز زده اش نیاز دارد؟» به خودم و نیازهایی که همیشه دارم فکر می کنیم، اینکه با وجود شرایط مالی مناسب هیچ وقت به این موضوع توجه نکرده بودم که باید تبلت فلا ن مدل داشته باشیم؛ دلشش واضح است من می توانم کارهایم را با همین وسایل ارتباطی که در اختیار دارم یک جوری رفع و رجوع کنم حالا ابرزایانه ندارم که نداشته باشم، لب تاپ هندی هم می تواند کار من را انجام دهد. شاید زمان ما وسیله بازی و سرگرمی، چیزهای دیگری بود اما صادقانه باید بپذیریم که با تغییر شرایط امروزه هیچ کدام از سرگرمی های قدیم برای بچه های امروز جذابیت ندارد. اگر به دیالوگ های آشنایی که بین همین بچه های نسل جدید در و بدل می شود دقت کنیم متوجه می شویم که بحث داغشان همیشه در مورد بازی های کامپیوتری، نرم افزارهای مختلف گوشی و نسخه جدید اندروید است تا بازی های فیزیکی و فکری، با همین دقت ساده در گفتار هایشان تازه می فهمیم فرق ما با این بچه ها چیزی شبیه به فاصله زمین است تا ماه گردون در واقع ما حتی در بین این همه وسایل جدید ترجیح می دهیم بیشتر از نوستالوژی هایمان صحبت کنیم، باز گشت به گذشته های دور و نزدیک داریم و درست برعکس ما، بچه های جدید نقطه مقابل ما ایستاده اند؛ همیشه به دنبال تازه ها و اتفاقات نو هستند و هر چیز جدیدی برایشان جذابیت دارد. با وجود اینکه ما اکثر ما سعی کرده ایم اطلاعات عمومی مان از وسایل ارتباطی جدید کم نباشد و با به پای پیشرفت ها و گسترده گی تکنولوژی با فرزندمانان حرکت کنیم تا مبادا از قافله جا مانیم اما باید اعتراف کرد این کودکان و نوجوانان دغدغه ها و دوست داشتنی های متفاوت نسبت به ما دارند. همیشه از خودم می پرسم این فسقلی هارون این صفحه های رنگی و مرموز موبایل، تبلت و لب تاپ دنبال چه می گردند؟ در جست جویی که دارند جقدر من و شما به عنوان پدر و مادر همراهشان هستیم؟ چه اندازه بر کارها و زمینه های مورد علاقه شان نظارت داریم؟

■ از تصمیم و رفتار درست پسر م مطمئنم

میتا ۲۹ ساله مادر خانه داری است که پسری ۹ ساله دارد. او درباره علاقه های پسرش آرش به دنیای تکنولوژی، گوشی های جدید و رفتارهایش می گوید: از وقتی آرش سه، چهار ساله بود مدام موبایل قدیمی اش را به او داد و همین موبایل، سرگرمی او وقتی یکبارگی سپرد شده بود. البته آرش زیاد با آن بازی نمی کرد و به بیشتر موسیقی گوش می داد و فیلم های طنزیش را تماشا می کرد. البته در همان روزها من، عممه یا خاله های آرش زمانی که او مشغول دیدن تصاویر و گوش دادن موزیک های موبایل بود برای اینکه احساس تنهایی نکند همراهی اش می کردم. دقیق خاطرم هست آرش تا کلاس دوم به سرگرم شدن با همان موبایل قدیمی راضی بود و هر چه اطرافیان اصرار می کردند موبایل جدیدتری بخرد به حرفشان گوش نمی داد.

وی تأکید می کند: البته گهگاه با تبلت و موبایل های اطرافیان بازی می کرد و از همه مسائل جانبی و ریزه کاری های گوشی های جدید اطلاع داشت اما زیاد در حال و هوای عوض کردن موبایل نبود. بعد از یک مدت من گوشی خودم را به آرش دادم اما نوع استفاده و کار کردن آرش حتی با تلفن همراه من نیز تغییر نکرد. همیشه آرش در مورد کارهای گوشی اش حرف می زد و نظر من را می پرسد، هیچ وقت احساس خطر نکرده ام که بخوام کارهایش را زیر نظر داشته باشم چون خودش عادت دارد در همه موارد از من راهنمایی بخواهد و سؤال کند.

میتا ادامه می دهد: وقتی وضعیت بچه های همسن و سال آرش را می بینم و مقایسه می کنم، از شرایط پیش رو خیلی خوشحالم چون مطمئنم آرش بدون نظارت من هم دنبال سرگرمی های بی خطر و سالم است.

■ دخترم به همه خواسته هایش رسید

فرحنا ۲۶ ساله در یکی از بخش های دانشگاهی مدیر است. او هم یک دختر ۱۲ ساله دارد اما این تفاوت که نمی داند با دخترش چه رفتاری داشته باشد و احساس در ماندگی می کند. او در مورد روزان می گوید: پس از بچه دار شدن سر کار نرفتم و درست بعد از هفت سال وقتی دخترم به مدرسه رفت باز دیگر کار نکردم را شروع کردم. روزان از بچگی عاشق بازی های کامپیوتری بود و برعکس همه دختران بیشتر به کارتون و بازی های پسرانه علاقه نشان می داد. از سه سالگی موبایل من و پدرش را با هر ترفندی می گرفت و تا دیروقت مشغول بازی بود. پیش دبستانی که رفت از من و پدرش خواست که برایش موبایل بخریم و چون همیشه وعده داده بودیم «رفتی مدرسه برایت گوشی می خریم» باید به

قولمان عمل می کردیم.

فرحنا ادامه می دهد: بیشتر این کارهای روزان تحت تأثیر همبازی شدن با بچه های فامیل بود چون آنها انواع و اقسام وسایل ارتباطی داشتند که به روزان فخر می فروختند و او از این مسئله ناراحت بود. برایش گوشی آخرین مدل خریدیم اما وقتی کاتش اول رفت از ما تبلت خواست. ما هم امروز و فردا می کردیم، چون هنوز خیلی زود بود تا تبلت داشته باشد. قول دادیم که اگر شاگرد اول شود برایش می خریم اما به خاطر اینکه دخترهای خواهر و برادرم در مهمانی ها با تبلتشان کار می کردند دست بردار نبود، بد اخلاقی ها و قهر کردن هایش تمامی نداشت و سسرانجام این ما بودیم که تسلیم شدیم. سال قبل هم خواسته هایش رنگ دیگری گرفت، گوشی اش را عوض کرد و ما نتوانستیم در مقابل خواسته تنها فرزندمان مقاومت کنیم.

مادر روزان می گوید: الان در تمامی شبکه ها و نرم افزارهای پیام رسان شبکه ای عضو شده و واقعا از این بابت نگرانش هستم چون وارد شرایط سنی حساسی شده و نمی دانم چطور رفتارها و کارهایش را کنترل کنم. هر وقت کنارش می نشینم تبلت و گوشی را کنار می گذارد و پنهان کاری در رفتارش کاملاً مشخص است.

■ همسر کارهای پسران را کاملاً کنترل می کند.

آقای محمدی ۴۲ ساله، کارمند است و دو فرزند پسر دارد که یکی هشت و دیگری ۱۵ ساله است. این پدر در مورد تجربه هایش با دو فرزندش می گوید: فرزند اولم در بچگی زیاد اهل بازی کردن و کار با موبایل نبود، اما بعد از مدرسه از ما خواست که برایش گوشی بخریم. همسر کاملاً با این موضوع مخالف بود و تا وقتی راهنمایی رفت اجازه نداد. پسر کوچک تر مان تقریباً پنج ساله بود که برایشان خط و نشان کشید و گفت: «با برابرم PSP می خرید یا گوشی، همین».



تکنولوژی هر روز در حال پیشرفت است و نمی توان مانند سدی برابر آن قرار گرفت و خلاف جریان رودخانه حرکت کرد چون این موج و طرقدارانش آنقدر قدرتشان زیاد است که ممکن است شمارا له کنند. از یک طرف تکنولوژی، از طرف دیگر کودکان و نوجوانان مشتاق و در جبهه وسط برخی والدین هستند که با این موضوع مخالفند، البته والدینی و خود دارند که نه تنها مخالفتی ندارند بلکه موافق و همراه هم هستند. موافقان دلایل موجهی برای این کار داشته و مخالف ها هم دلایل خاصی دارند که اغلب مربوط به نگرانی از وضعیت فرزندانشان است



■ با گوشی داشتن بچه ها مشکلی دارید ؟

تکنولوژی هر روز در حال پیشرفت است و نمی توان مانند سدی برابر آن قرار گرفت و خلاف جریان رودخانه حرکت کرد چون این موج و طرقدارانش آنقدر قدرتشان زیاد است که ممکن است شما را له کنند. از یک طرف تکنولوژی، از طرف دیگر کودکان و نوجوانان مشتاق و

وی ادامه می دهد: نمی دانستیم در مقابل این خواسته ها او چه رفتاری داشته باشیم، با زور به خواست اش رسید و پارسل هم که شاگرد اول شد پایش را در یک کفش کرد که «یا برابرم گوشی می خرید یا منم مثل دوستم تبلت می خوام». پسر بزرگم که تا آن روز از ما چنین درخواست نکرده بود از رفتارهای برادرش تعجب می کرد. با این شرط و شروط که «با بردارت باید مشترک استفاده کنی» بالاخره تسلیم شدیم و تبلت خریدیم. خدا را شکر با هم رابطه خوبی دارند و تقریباً خیالم راحت است که برادرش کنترلش می کند و گاهی می بینم که اخطار می دهد «حق نداری از بعضی نرم افزارها استفاده کنی»، در واقع فکر می کنم با وجود برادرش نظارتی را کارهای او وجود دارد. البته ما به همین بسنده نمی کنیم و همسر نیز به خاطر حساسیت های که دارد با دقت کارهای او رویشان را زیر نظر دارد.

■ مستأصل شده ام، نمی دانم با فرزندم چه کار کنم؟

محمد امین ۳۳ ساله، مهندس کامپیوتر، شغلش آزاد است که پسر چهار ساله دارد. وی از کارهای پسرش علیرضا متعجب است، در مورد رفتارهای فرزندش می گوید: علیرضا به خاطر اینکه مرکز توجه خانواده من و همسر بود، هر چه می خواست در چشم برهم زدنی به دست می آورد. وقتی سه ساله بود وسیله بازی اش لب تاپ، تبلت و گوشی های خانواده ها بود. شاید حرف فرزندش کامل نبود اما درس برنامه های لب تاپ و گوشی را بلد بود. هر چه بزرگ تر می شد و زمان وقتش را با این وسایل سپری می کرد و فوری از هر چیز جدیدی که وارد بازار می شد سر در می آورد. اطرافیان هم تشویقمان می کردند تا برایش گوشی و تبلت بخریم. پدر علیرضا بیان می کند: پسر چهار سال بیشتر ندارد اما با به پای من سر از همه چم و خم های لب تاپ درمی آورد، اکثر ا با هم بازی می کنیم و با نرم افزارهای مختلف کلتچار می رود. اگر همینطور پیش رود نمی دانم چند سال دیگر چطور می خواهم جلوی این رفتارهای علیرضا را بگیرم و برایش قاعده و قانونی تعیین کنم. به نظرم باید در این مورد، از روانشناس و مشاور کمک بگیریم تا پسر در این خصوص ضربه روحی و عاطفی نخورد.

■ دخترهایم هنوز کار با وسایل جدید را یاد نگرفته اند

سحر ۲۹ ساله خانه دار، مادر دو دختر ۵ و ۹ ساله است. او کاملاً از فضایی که در موردش حرف می زنیم دور است و ابراز بی اطلاعی می کند. سحر در این مورد می گوید: خود من از وسایل اطلاعاتی جدید و کار با آنها اطلاع چندانی ندارم. از وقتی مادر شدم اصلاً وقت نکردم به این جور مسائل فکر کنم و در موردشان اطلاعات کسب کنم. مهدیه و مهربان در مهمانی های خانوادگی با همسن و سالانشان بازی می کنند ولی چون نه من و نه پدرشان به استفاده از گوشی های جدید علاقه نداریم آنها هم زیاد این بازی را بلد نیستند و در این مورد مثل بچه های دیگر نیستند.

وی ادامه داد: من اصلاً دوست ندارم این بازی ها را یاد بگیرم اما همسرم مخالفت چندانی ندارد. شاید دلیل مخالفت من این است که خودم هنوز کار با تبلت و گوشی های جدید را یاد نگرفته ام و نمی توانم با این اوضاع کارها و رفتارهای آنها را کنترل کنم. بزرگ کردن دو دختر با این شرایط کمی سخت شده و من الان به مادرم حق می دهم چون خودم هم دوست دارم دخترا بدون اجازه من کاری انجام ندهند.

شده تازه به فکر چاره بیفتیم. در جبهه وسط برخی والدین هستند که از این موضوع ناخشنودند و به همین سبب وسایل ارتباطی را به کودکان نمی دهند. برخی از والدین می گویند که اگر کودکان با وسایل ارتباطی آشنا شوند، در صورتی که والدین با این وسایل آشنا نباشند، کودکان به راحتی از کنترل والدین خارج می شوند و به همین سبب والدین سعی می کنند که با وسایل ارتباطی آشنا شوند. برخی از والدین می گویند که اگر کودکان با وسایل ارتباطی آشنا شوند، در صورتی که والدین با این وسایل آشنا نباشند، کودکان به راحتی از کنترل والدین خارج می شوند و به همین سبب والدین سعی می کنند که با وسایل ارتباطی آشنا شوند. برخی از والدین می گویند که اگر کودکان با وسایل ارتباطی آشنا شوند، در صورتی که والدین با این وسایل آشنا نباشند، کودکان به راحتی از کنترل والدین خارج می شوند و به همین سبب والدین سعی می کنند که با وسایل ارتباطی آشنا شوند.

هر فناوری جدیدی که وارد زندگی می شود، تحولی به اندازه کار برش در زندگی افراد به وجود می آورد. شاید داشتن یک لب تاپ بین سالمندان و پدربزرگ و مادربزرگ هایمان چندان طرقدار نداشته باشد اما کتیم، نوجوانان و کودکان، مرد و زن، دانشجو و دانش آموز به این وسیله نیاز دارند و وجودش را ضروری می دانند. فناوری، زندگی های امروزی را به تسخیر خودش درآورده و هر کدام از این تازه ها در جزء جزء کارهایمان تأثیر گذار است. حتی برای انجام متوسل می شویم. با موبایلمان به صورت تصویری با دوستانم حرف می زنیم، خرید اینترنتی می کنیم بدون اینکه وقتمان را در خیابان ها و مراکز خرید شهر صرف کنیم و همزمان نیز می توانیم به امور دیگر نیز رسیدگی کنیم.

■ مثبت و منفی در کنار هم

همه این تغییر و تحولات به ما کمک می کنند در کار و زندگی روزمره مان سریع تر عمل کنیم اما هر کدام از این تکنولوژی ها پیامدهای منفی نیز دارد که گریبانگیر افراد مصرف کننده می شود و



بسیاری از نوجوانان در شبکه های اجتماعی حضور فعال دارند بدون اینکه بدانند کار بر د اصلی این قبیل شبکه ها چیست؟ برای چه کسانی طراحی شده و آیا مناسب سن و سال آنهاست یا نه؟ به داشتن یک صفحه هم بسنده نمی کنند و با آدرس های مختلف ایمیل و به صورت پنهانی با گروه ها و افراد مختلف ارتباط برقرار می کنند بدون اینکه به این مسئله ذره ای فکر کنند که چه تناسب سنی و فکری با دوستان اینترنتی شان دارند

برای اینکه از ترکش های آن در امان بمانیم باید

در نامه ریزی و هوشیاری به خرج دهیم. بزرگسالان در این مورد آگاهانه تر به خود می کنند اما بچه های ما بی دفاع تر و تحریک پذیر هستند و به خاطر حس کنجکاوی و عدم آگاهی در ورطه ای پا می گذارند که کمی خطرناک است.

برخی بخش های فیس بوک هنوز برای بزرگسالان ناآشناخته و مبهم است اما می بینیم که بسیاری از نوجوانان در این شبکه اجتماعی عضو شده اند و در دیگر شبکه ها نیز حضور فعال دارند بدون اینکه بدانند کاربرد اصلی این قبیل شبکه ها چیست؟ برای چه کسانی طراحی شده و آیا مناسب سن و سال آنهاست یا نه؟ به داشتن یک صفحه هم بسنده نمی کنند و با آدرس های مختلف ایمیل و به صورت پنهانی با گروه ها و افراد مختلف ارتباط برقرار می کنند بدون اینکه به این مسئله ذره ای فکر کنند که چه تناسب سنی و فکری با دوستان اینترنتی شان دارند.

اگر شبکه های اجتماعی موجود در گوشی های اندروید را بررسی کنیم، می بینیم که برخی دانش آموزان و نوجوانان ما حضوری پر رنگ در فضاهای مثل ویجت، لاین، وایبر و تانگو دارند. واقع با یک پیک کارت اعتباری و یک موبایل نه چندان گران، اتفاقاتی را تجربه می کنند که به هیچ وجه مناسب آنها نیست. افزایش این آمارها به این دلیل است که خانواده ها به فرزندانشان اجازه می دهند از هر نوع وسیله ارتباطی استفاده کنند بدون اینکه نظارت و کنترلی وجود داشته باشد.

■ بازی کردن نقش جایگزین

پدر و مادر شاغل هستند و وقت کمتری برای رسیدگی و ارتباط با فرزندشان دارند. اکثراً زمان کمی برای در کنار هم بودن اعضای خانواده وجود دارد، بیشتر بچه ها تک فرزند شده اند و خواهر و برادری هم در کنارشان نیست، حرف اول و آخر در خانه را فرزند می زند و خواسته هایش اولویت بیشتری دارد، همبازی هم ندارد و در این اوضاع تنها سرگرمی های بچه بازی با موبایل، کامپیوتر و گشتنی در سایت های مختلف است و کسی هم نظارتی بر کارهایش ندارد و ظاهراً همه از وضع موجود راضی هستند. وقتی مشکلی پیش می آید

راه اندازی فیس بوک دانش آموزی راه چاره ای موقت است و به عنوان مسکن فقط در کوتاه مدت جواب می دهد. در کنار این کار هم باید برای توانمندسازی دانش آموزان و بالا رفتن سطح آگاهی های آنها نسبت به خطرات استفاده از این گونه فضا اقداماتی انجام گیرد.

و شرایط خاص می شود آن وقت است که پدر و مادر متوجه هشدارها می شوند و زمانی که کار از کار گذشته به فکر راه چاره می افتند. وقتی تنها سرگرمی کودکان و نوجوانان ما برای گذران اوقات فراغت موبایل و تبلت می شود نباید انتظار دیگری داشت چون همه چیز در سکوت سیری می شود. در ایام تحصیل برنامه ای برای اوقات فراغت دانش آموزان ندارند و در تعطیلات تابستانی هم خانواده ها ترجیح می دهند که فرزندشان در خانه باشد اما به این فکر نمی کنند که این روزها و ساعات چطور باید بگذرد. نتیجه این انزوا مگر غیر این است که در فضای مجازی به دنبال جبران کمبودها هستند و وقت گذرانی بدون کنترل و بی قید و بند این افراد در فضای مجازی باعث ایجاد هویت کاذب و زودگذر برای آنها می شود.

■ فضای اعتباردار

وقتی نوجوان و کودک ما در چنین فضاهایی حضور داشته باشد، هویتی را به دیگران معرفی می کند که دوست دارد باشد و پرورش این شخصیت کاذب در فرد تقویت می شود. برای به وجود آوردن این هویت خیالی تلاش و کوشش بسیاری می کند و دیگران هم این فرد را قبول می کنند. همین پذیرش باعث می شود که فرد به فعالیت بیشتر ترغیب شود و اینگونه است که به حضور به یک شبکه اکتفا نمی کند و هر نرم افزار یا هر شبکه جدیدی که وارد بازار می شود در آن عضو شده و دوست دارد راههای جدید را هم امتحان کند.

این وابستگی ها خطرناک است و بعد از مدتی می بینیم بدون آن نمی توانست زندگی کنند و روال عادی روزانه شان مختل می شود. اینجاست که معلوم می شود این دلپسنگی غیرعادی است و اسمش را باید چیز دیگری گذاشت. اعتبار فقط به شکل هایی نیست که همه در وهله اول همدان به آن سو می رود بلکه همین رفتارهای نوجوانان ما نوعی اعتبار به این وسایل محسوب می شود. اعتیادی که بسیار خطرناک تر است و با توجه به سن کم و آسیب پذیری بسیار، استفاده کنندگان با مشکلات زیادی مواجه می شوند. در واقع دل کندن و دوری از این فضاها سخت می شود و این افراد برای چند دقیقه سرک کشیدن در این شبکه



دست به هر کاری که ممکن باشد می زنند چون خاصیت همه فضاهای مجازی اینطور است.

■ تعارض با فرهنگ ایرانی

در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی هر فرقه، رنگ و نژادی حضور دارند که با هم تفاوت های زیادی دارند. برای همین است که نوجوان ما با حضور در این محیط دچار دوگانگی شده و تعارض پیدا می کند. او نمی داند فرهنگ کی تا دیروز داشته تا این اندازه با کشورها و افراد دیگر تفاوت دارد. محبتی که در آن گشت و گذار می کنند به هیچ وجه با ارزش ها و فرهنگ ایرانی- اسلامی ما هماهنگ نیست. وقتی درجه اختلاف بالا باشد، اینجاست که می بینیم چالش هویتی بوجود می آید و نوجوان و جوان ما نمی تواند تصمیم درستی بگیرد و با مشکلات عدیدهای مواجه می شود.

■ شبکه اجتماعی دانش آموزی

گرایش دانش آموزان و نوجوانان ما به شبکه های اجتماعی باعث شده که مسئولان آموزش و پرورش برای این معضل چاره ای بیاندیشند. فیس بوک دانش آموزی راه حل جدیدی است که ارگان های مختلف آموزشی برای طرح و اجرا کردن آن به توافق رسیده اند. البته این شبکه را به شرط همراهی و حضور دانش آموزان، معلمان، مربیان و همچنین با هویت و شناسنامه واقعی مجاز می دانند. این طرح با جدیت تمام دنبال می شود و دلیل آن هم فصل تابستان و فرارسیدن اوقات فراغت دانش آموزان است. آمار دانش آموزانی که در فضاهای مجازی و شبکه های مانند فیس بوک پرسه می زنند افزایش پیدا می کند و در این زمان هم دانش آموزان در اختیار مدارس نیستند به همین دلیل برای کاهش این آسیب های اجتماعی در تلاش هستند.

راه اندازی فیس بوک دانش آموزی راه چاره ای موقت است و به عنوان مسکن فقط در کوتاه مدت جواب می دهد. در کنار این کار هم باید برای توانمندسازی دانش آموزان و بالا رفتن سطح آگاهی های آنها نسبت به خطرات استفاده از این گونه فضا اقداماتی انجام گیرد.